

# ذهنیت های غلط نسبت به اقتصاد کشور

## و ارائه راهکارها

دکتر محمد حسن قدیری ایبانه

سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در مکزیک، و استرالیا

کارشناس عالی امور استراتژیک

سلسله نشست های جمعه نور – قم

@jomeh\_noor

۱۷ اسفند ۹۷

دفتر فرهنگی ۵۷

ترویج گفتمان امام و رهبری

## باسمه تعالی

دکتر محمد حسن قدیری ابیانه، دکترای علوم استراتژیک با گرایش مدیریت استراتژیک، معمار پایه یک و عضو نظام مهندسی، سفیر سابق ایران در استرالیا و مکزیک، عضو شورای بین الملل پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، عضو انجمن علمی علوم راهبردی و دیپلمات بازنشسته وزارت امور خارجه است. از وی کتابهای متعددی از جمله «سبک اقتصادی و فرهنگی زندگی»، «توهم نفتی و اقتصاد استراحتی»، «برنامه جهاد اداری؛ نجات ارباب رجوع» منتشر شده است.

متن پیش رو، مربوط به جلسه ۱۷ اسفند ۹۷ در سلسله نشست های جمعه نور شهر مقدس قم است که توسط دفتر فرهنگی ۵۷ تهیه و تنظیم و ویرایش شده است.

...لابد زیاد شنیده اید که می گویند بعضی از کشورها مانند کره جنوبی که امکانات کشور ما مانند نفت و گاز و ... را ندارند، با ما خودرو سازی را شروع کردند؛ اما امروز آنها کجا هستند و ما کجاییم؟

برخی این مشکلات را پای ناکارآمدی نظام می گذارند. برخی دیگر آن را به حساب دولت ها می نویسند. معدودی نیز آن را به حساب ناکارآمدی اسلام می گذارند و می گویند اگر اسلام برنامه جامعی داشت و بر حق بود، در این چهل سال باید حقانیت خود را در عرصه اقتصادی نشان می داد. افراد مؤمن می گویند ما به خاطر اسلام قیام کردیم و مباحث اقتصادی در اولویت ما نبوده است. وجود مشکلات و ناکارآمدی در عرصه اقتصاد را می پذیرند، اما هدفشان چون اقتصادی نبوده، کاری به آن ندارند و مشکلات را تحمل می کنند و راضی هستند.

### میزان درآمد نفتی کشور و سهم هر فرد

اما اگر بخواهیم تحلیل درستی ارائه دهیم، وقتی می گوئیم «با اینهمه ثروت چرا مشکل داریم؟»، اصلا باید ببینیم ثروت ما چقدر است؟ مثلا درآمد نفتی و صادرات نفتی ما چه اندازه است؟

باید بگوئیم آمار این موارد روشن است و مرتب در رسانه ها اعلام می شود که مثلا سه ماه گذشته یا سال گذشته چه اندازه نفت فروخته ایم، به چه قیمت بوده. امروز چه قیمت است و... البته ارقام آن نیز همواره نجومی بوده است و فراتر از محاسبات عادی ماست. ما با حقوق و درآمد ماهانه سرکار داریم. چه کنیم اندازه آن را درک کنیم؟ با حقوق و درآمد ماهانه خود مقایسه می کنیم. مثلا ببینیم به ازاء هر ایرانی ماهانه چه اندازه نفت صادر می کنیم؟ به این شکل که یکسال درآمد نفتی را به تعداد جمعیت کشور تقسیم کنیم بعد تقسیم بر دوازده ماه کنیم. رقم روشن خواهد شد. اما چون عادت نکرده ایم که ارقام نجومی را به قیاس کوچکتر و قابل لمس برای خودمان تبدیل کنیم، هر کس از درآمد نفت تصوری دارد. همین الان اگر بپرسیم شما درباره درآمد و فروش نفت چه قیمتی در ذهن دارید، ارقام هر کس با دیگری متفاوت است. هیچکدام هم مثل هم نیست.

بر فرض محال، دولت بگوید من همه درآمد نفت را به شما می دهم و هیچ مبلغی از آن را در هیچ یک از نیازها خرج نمی کنم و خودتان با این پول مشکلات خود در رابطه با مسکن و معیشت و اشتغال و درمان و... را برآورده کنید. از من توقع امنیت و دفاع و مدرسه و بیمارستان دولتی نداشته باشید. این یک فرض

است، هر چند غیر منطقی و غیرممکن هست. در مثل مناقشه نیست. اگر دولت همه درآمد نفت را بین مردم تقسیم کند، به هر ایرانی ماهیانه چقدر می رسد؟ من رقم پیش بینی شده امسال را می گویم. امسال برای صادرات نفت و میعانات گازی رقمی پیش بینی شده که رقمش از همه سالهای گذشته بیشتر است. فعلا ضرب و تقسیم نکنید. رقمی که بابت صادرات نفت و گاز و میعانات گازی در قانون بودجه سال ۹۷ پیش بینی کرده اند قریب به ۹۶ هزار میلیارد تومان است. تقسیم بر هشتاد میلیون ایرانی و تقسیم بر ۱۲ ماه، می شود نفری ۱۰۰ هزار تومان! ولی همین الان تصویری که داشتید دستکم یک میلیون تومان هم بود! تصویری که در جامعه وجود دارد، نفر دهها تا حتی صدها میلیون تومان در هر ماه به ازای هر ایرانی است.

## توهم اقتصادی

ما در جامعه خود دچار توهم هستیم. یکی از آنها نفت است. ما قبل از تحریم روزانه ۴ میلیون بشکه در روز تولید نفتمان بوده است. یعنی به ازای هر ایرانی ماهانه یک و نیم بشکه. صادرات ما روزانه دو میلیون و سیصد هزار بشکه در روز بوده یعنی به ازای هر ایرانی ماهانه ۸۶ صدم یک بشکه (کمتر از یک بشکه). همین الان ما روزی نزدیک به سه میلیون بشکه نفت تولید می کنیم. سه میلیون بشکه، ضرب در سی روز، تقسیم بر هشتاد میلیون نفر، می شود ۱/۱ بشکه تولید نفت به ازای هر ایرانی در هر ماه.

صادرات نفت در شرایط تحریم به روزانه یک میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. اگر سهم ۱۴ و نیم درصدی شرکت نفت به دلیل هزینه هایی که کرده اگر کم شود، سهم هر ایرانی در هر سه ماه کمتر از یک بشکه است. اگر یکبار در عمر خود این ضرب و تقسیم را انجام داده بودیم، این رقم های نجومی را نمی گفتیم.

می گویند عرب ها چکار می کنند؟ با احتساب جمعیت و حجم صادرات نفتشان، در کویت و قطر و امارات، میزان صادرات نفت هر نفر آنها در یک سال مساوی است با شصت سال صادرات نفت ایران! اگر این را در نظر نگیریم فکر می کنیم آنها به مردمشان می رسند، ما نه. یعنی اگر ما درآمد نفتی را فقط صرف جزیره قشمی ها می کردیم، می شدیم شبیه دبی. امارات یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر جمعیت بومی دارد، طبیعی است که بیشتر از ما نفت صادر می کند. وسعت کشور ما بیست برابر امارات است. با این تفاوت که ما غیر از نفت، درآمدهای دیگر هم داریم. اما باز عراق می کنیم و می گوئیم مثلا مس سرچشمه کرمان اگر درست هزینه شود، مملکت به هیچ چیز دیگر نیاز ندارد! بابا همه نفت و گاز ما به ازای هر نفر ماهانه حدود ۱۰۰ هزار تومان است؛ چطور حساب کردید که مس سرچشمه بیشتر از نفت به ما می رساند؟!

ما سالی فقط دو تُن طلا استخراج می کنیم. یعنی چقدر؟ یعنی به ازاء هر ۱۰ نفر سالی یک گرم طلا!! اما وقتی دو تُن می شنویم، فکر می کنیم خیلی زیاد است. تازه باید هزینه های استخراج را از آن کم کنیم. اخبار گفتن ما هم اشکال دارد. مثلا می گویند «معدن طلا با ظرفیت صد هزار تُن کشف شد!» این معدن طلاست، نه خود طلا. اگر خاکش غنی باشد، هر تن معدن طلا، ده تا پانزده گرم طلا می دهد!

## بودجه عمومی و بدهی های دولت

اما گفتیم درآمدهای دیگر هم غیر از نفت داریم که به آن بودجه عمومی می گویند. بودجه عمومی شامل همه درآمدهای حکومت است. مثلا دانشگاه دولتی است؛ از کسی پول نمی گیرد، ولی اگر کسی بخواهد

انصراف بدهد، باید پول بدهد. چون می گویند من هزینه کردم، ظرفیت ایجاد کردم، تو هدر دادی. یا مثلا وام های داخلی و خارجی. البته وام درآمد نیست، اما پولی در اختیار دولت قرار می دهد. فروش کارخانجات هم تا زمانی که باشند، جزو منابع مالی دولت هستند. در حقیقت این سرمایه فروشی است. شرکت های دولتی و بانک های دولتی هم که اگر سود کردند، بخش زیادی از سود خالص را باید به دولت بدهند. این مجموع بودجه عمومی دولت است. مجموع این بودجه چه مقدار است؟ نفری در ماه، ۴۶۲ هزار تومان در بودجه سال ۹۷ است! تصور مردم در مورد کل درآمدهای حکومت و دولت مثل آن تصور صادرات نفت اشتباه و اغراق آمیز است!

۴۵ هزار و پانصد تومان آن را دارند به عنوان یارانه پرداخت می کنند، می ماند ۴۱۶ هزار و پانصد تومان. اگر دولت مُسرف نباشد، حقوق نجومی ندهد، اختلاسی رخ ندهد و اشتباه و بی تدبیری نداشته باشد، این پول حتی برای امور اولیه جاری کشور کفایت نمی کند. از جمله حقوق کارمندان دولت و بازنشستگان. برای اینکه آن حقوق عقب نیفتد، به استقراض روی آورده اند. پول بدون پشتوانه چاپ شده و به پیمانکاران و کارمندان و ... بدهکارند. مجموع بدهی این کشور تا آخر سال ۹۶ به ۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده بود. از ابتدای سال ۹۷ دیگر اعلام نکرده اند! این رقم علی القاعده باید از ۸۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده باشد؛ یعنی به اندازه هفت هشت سال، نفت پیش خور شده! یعنی به ازاء هر ایرانی ده میلیون تومان بدهکاری به بار آمده است. این وضعیت اقتصاد کشور است. بدهی دولت هم شامل بانک ها، شرکت بیمه، پیمانکارها، سپاه و استقراض های خارجی است. البته سپاه کار را پیش برده، ولی بالاخره دولت به آن بدهکار است.

الان آقای نوبخت اعلام کرده در این شرایط تحریم، روزی یک میلیون بشکه نفت صادر کردیم و اکنون به شدت با مشکل مواجه هستیم. البته اگر راست گفته باشد و زیاد نگفته باشد. بنابر محاسبه قبلی که کردیم، یعنی به ازاء هر ایرانی در هر سه ماه، کمتر از یک بشکه. در حالی که برای مردم، اصلا انگار نه انگار مملکت ما تحریم است و دولت درآمزش کم شده. همه فقط می خواهند و مطالبه کنند.

هر چه می گیرند باز هم کمشان است. مثلا اگر الان دولت بگوید ۲۰ درصد حقوق ها را زیاد می کنیم، باز کارمندان و کارگران می گویند تورم بیش از این است؛ اما توجه ندارند که تورم فقط برای شاغلین نیست، برای بیکاران هم هست. آنها چه کنند؟ در آمد ندارند، اما هزینه شان افزایش یافته! مگر هر چه درآمد است، برای شاغلین است. بیکاران باید در سطل آشغال دنبال غذا باشند؟! هیچکس اصلا به اینها فکر نمی کند.

مقام معظم رهبری سالهاست که می فرمایند کشور باید از وابستگی به نفت نجات پیدا کند، اما هیچ کس گوش نکرده است. معتقدم یک مانع بزرگ، وابستگی ذهنی به نفت است. همین تصور و محاسبات و ذهنیت های غلط بالای جان کشور و انقلاب است.

### تصور غلط از مطالبه گری

مثلا می گویند حکومت مسئول تأمین نیازهای مردم است! چه کسی گفته؟! این حرف را از کجا آوردیم؟ در دنیا مردم می دانند که آنها باید هزینه های دولت را تأمین کنند، در ایران برعکس است! حالا اگر دولتی می گوید ما نسبت به محرومین مسئول هستیم، یعنی باید از همه به خصوص ثروتمندان بگیرند، به محرومین بدهند، اما غیر محرومین هم طلبکارند!

در ایران همه طلبکارند! همه دست بگیر دارند و هر چه بگیرند کمشان است. همه فکر می کنند حقشان خورده شده است. اهل سنت فکر می کنند حکومت شیعه حقشان را خورده است. آنجا هم تصور غلط را درباره نفت و درآمدهای دولت دارند. اقوام کرد و بلوچ و ترکمن و ... هم همینطور فکر می کنند. شما حتی در منطقه ثروت نشین تهران هم بروید، آنها هم فکر می کنند حقشان خورده شده است! یک تصور غلط همگانی! در یک دانشگاهی جلسه داشتم، اساتید هم همین تصور غلط را داشتند. همین رقم های سنگین درآمد نفتی در ذهنشان است. در مسجدی همه دچار توهم بودند. فقط یک جا پسر بچه ده ساله گفت سهم هر ایرانی ۱۰۰ هزار تومان است. آنها نه از روی محاسبه، بلکه چون ۱۰۰ هزار تومان برای او مثل میلیارد ما بود!

اگر من فکر کنم تأمین نیاز من بستگی به حکومت و دولت دارد که می تواند به هر نفر ده میلیون درآمد ماهانه بدهد، به جای تلاش و کار، مطالبه گر می شوم. می گویم نیاز من، مسکن من، حقوق من، هزینه ازدواج من، شغل من... همه مطالبه گر می شوند. البته ممکن است برخی فکر کنند بنده از دولت دفاع می کنم؛ خیر. من از نظر سیاسی مخالف این دولت. این دولت را در تراز انقلاب اسلامی نمی دانم. اما این هم درست نیست که توهم عمومی را دست نخورده بگذاریم. این به نفع نظام نیست که نظام را ناکارآمد تصور کنند.

خُب اگر ما درست فکر کنیم، توقع از دولت پایین می آید و این به نفع دولت است. اما چرا خودش این حرف ها را نمی گوید؟ برای اینکه خودش هم ضرب و تقسیم نکرده است. وگرنه باید خیلی احمق باشد که اینها را بداند و نگوید. من با خیلی از دولتمردان در دوره های مختلف صحبت کردم که می دانم نمی دانند.

در صدا و سیما همین صحبت ها را کردم، معاون یکی از شبکه های رادیویی گفته هر نفر ماهانه ۲۰۰ میلیون تومان! آنوقت برنامه هایی که تنظیم می شود، بر اساس همین تصور است. هر چه می شود، فوری می پرسند توقع شما از حکومت و دولت چیست؟ رفتند در کرمانشاه از زن و شوهری که ۱۹ بچه دارند، برای تبلیغ جمعیت که همه فرزندان شاغل بودند، باز گفته اگر دولت از اینها حمایت بکند فلان می شود! در یک محله ای، مستأجر اخراج می شود، اهالی می گویند دولت به داد برسد! خب چرا خودتان مشکل را حل نمی کنید؟ همه نگاهها به دولت است. همه دنبال این هستند که مشکلشان را به گوش مسئولین برسانند. انگار وقتی به مسئول گفتند من مشکل خانه دارم، او هم فوری کلید خانه را می دهد دست این مستأجر! فکر میکنند که می تواند! من این توهم را که اسمش را گذاشته ام توهم نفتی «ام المسائل» کشور می دانم. این تصور باعث تنبلی اجتماعی شده است چون می گویم نیاز من به عهده دولت و حکومت است و به کار و تلاش خودم فکر نمی کنم.

### تنبلی اجتماعی در ایران

در جهان معیارهایی برای تنبلی اجتماعی وجود دارد. تقدیر گرایی (فالگیری و رمالی و...)، تمایل به کارهای زودبازده و یک شبه، خودمداری، فرار از مسئولیت به دلیل منافع فردی، احساس بی قدرتی و... از جمله آنهاست. عدم اهتمام دانشجویان به کسب علم و مهارت در کار خود و تلاش رای فقط کسب مدرک تحصیلی، به دلیل کسب درآمد بیشتر و گرایش به دلالتی به جای فعالیت مولد و کارآفرینی، نمونه گسترش تنبلی در جامعه است. در گذشته هر کس کار می کرد، زرنگ بود، امروز برعکس شده و از کار کردن به عنوان سگ دو زدن، جان کندن، خر حمالی و ... نام برده می شود!

در اولین روز سال ۹۰ مقام معظم رهبری از تنبلی اجتماعی به عنوان دشمن درونی ایرانیان نام برد و تأکید کردند که «تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بد بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود... اینها بیماری است!» گفته اند تنبل ترین مردم دنیا، اول اعراب (عربستان، قطر، امارات و کویت)، بعد ایرانیان و بعد آفریقاییان هستند! انتهای لیست ژاپن و کره جنوبی است.

بیشترین تعطیلات رسمی مناسبتی را داریم. چین و روسیه هفت روز، آلمان ۹ روز، آمریکا ۱۰ روز، کانادا و کره جنوبی، ۱۱ روز، ژاپن ۱۵ روز، ایران ۲۷ روز! گاهی بین التعلیلین هم داریم! حالا برخی می گویند تعطیلات آنها بیشتر است، چون دو روز در هفته تعطیل هستند! اما آنها که دو روز تعطیلی دارند و پنج روز در هفته کار می کنند، ساعت کار در هفته را بر پنج روز تقسیم می کنند، یعنی دیرتر تعطیل می کنند. ما این را نمی بینیم و فقط روز را در نظر می گیریم.

ساعت مفید کاری در ایران جزو پایین ترین ها در دنیاست. چند سال قبل مرکز پژوهش های مجلس بررسی کرده بود که متوسط ساعت مفید کاری دولتی ۲۲ دقیقه در روز است! یعنی کسانی هم هشت ساعت کار مفید کردند که شده ۲۲ دقیقه، وگرنه کمتر می شد! در کل کشور محاسبه شده، هفته ای کمتر از ۱۱ ساعت، یعنی روزی دو ساعت. در فرانسه و آمریکا ۳۰ تا ۳۳ ساعت در هفته است. کشورهای ترکیه ۴۳ درصد، کره جنوبی ۲۷ درصد و ژاپن ۲۲ درصد از شاغلینشان بیش از ۵۰ ساعت کار مفید می کنند!

حالا برگردیم سر سؤال اول: چرا کره که با ما خودرو سازی را شروع کرد، الان پیشرفت کرده؟ چون ساعت مفید کاری آنها تقریباً روزی ۹ و نیم ساعت است! با ۲۲ دقیقه چقدر اختلاف دارد؟ یعنی هر کره ای به اندازه ۲۶ ایرانی کار کرده است!

### ایراد اساسی قانون بازنشستگان

قانونی در مجلس گذرانده اند به عنوان بازنشسته ها! من معتقدم بعضی چیزها را اصلاً محاسبه نمی کنیم. قبل از انقلاب متوسط عمر حدود ۵۲ یا ۵۶ سال بوده است؛ حالا فرض می کنیم ۵۶ سال. از بیست سالگی، سی سال که کار می کرد، ۵۰ سالگی بازنشسته می شد، سی سال کار کرده بود، شش سال حقوق بازنشستگی می گرفت تا ۵۶ سال تمام شود.

الان عمر متوسط یا امید به زندگی ۷۲ سال آقایان و ۷۶ سال خانم هاست. اما سن بازنشستگی همان سی سال مانده است. یعنی سی سال کار می کند، ۲۶ یا ۲۲ سال حقوق بازنشستگی می گیرد! در دنیا در قبال هر ۶ شاغل، یکی بازنشسته است، در ایران تعداد بازنشسته های ما بیش از شاغلین است. ۸/۵ میلیون حقوق بگیر داریم که چهار میلیون آن شاغلند که حدود سه میلیون آن رسمی اند، ۴/۵ میلیون بازنشسته اند! این فاجعه است. همه می گویند دولت را باید کوچک کنیم، اما قوانینی می گذرانند که دولت بزرگ شود!

در دنیا عمر مفید یا امید به زندگی که افزایش پیدا می کند، سن بازنشستگی را هم افزایش می دهند. سن ۵۰ سال برای بازنشستگی، برای کسی بود که عمر ۵۶ سال بود. الان آمریکا و آلمان سن بازنشستگی را به ۶۷ سال رسانده اند. آمریکا سالی یک سال اضافه می کند تا به ۷۰ سال برسد. اما در مجلس سن بازنشستگی را مرتباً کاهش می دهند تا جوانان هم سرکار بروند! در حالی که استخدام، برای ایجاد اشتغال برای استخدام شدگان نیست، برای انجام کار است. با این کاری که شما می کنی، به دو نفر حقوق می دهی!

ما در حین پرداخت حقوق بازنشستگی، به جوان هم داریم حقوق می دهیم. خب پس سال های این را کاهش بدهید. ۲۲ سال بازنشستگی را ده سال کنید! اینگونه دولت را کوچک نکرده ایم، بلکه نان خورها را زیاد کردیم! بازنشستگان بدون اینکه کاری کنند حقوق دریافت می دارند.

تصور غلط دیگر این است که جوان ها سرکار بیایند که تجربه کسب کنند؛ خب به چه قیمتی؟ مسئولیت، محل تجربه پس دادن است نه تجربه آموختن. در بانک مرکزی مسئولیت را به چند جوان واگذار کردند، هفتاد تن طلا و کلی ارز از کشور هدر رفت! می ارزد به تجربه اندوزی؟ من نمی گویم سن پیری یا جوانی ملاک است، می گویم هر کس شایسته تر است و بهتر مدیریت می کند بیاید. حالا اگر هر دو شایستگی داشتند، جوان اولویت دارد. به شرطی که به ۵۰ ساله نگویم کار نکن و حقوق بگیر، به جوان هم بگویم کار کن و حقوق بگیر!

### مسأله امنیت شغلی

یکی از مشکلات ما در کشور امنیت شغلی است؛ در حالی که دنیا ناامنی شغلی را دامن می زند. یعنی چه؟ چه کسی گفته سی سال بر سر کار باشد، حتی اگر کارآمد نباشد؟ همه می خواهند شرکتی و قراردادی را رسمی کنند، در دنیا اگر کسی رسمی هست، قراردادی می کنند که هر وقت کم کاری کرد، بیرونش کنند.

وقتی می گویم نمایندگان مجلس امنیت شغلی داشته باشند، یعنی اگر یکبار نماینده شد، تا آخر عمر نماینده باشد و حقوق نمایندگی بگیرد! خیر، باید قراردادی باشد. اگر خوب و مناسب بود، سر چهار سال دوباره انتخاب می گذاریم.

در ادارات هم باید چنین باشد. اگر کسی بهتر از تو پیدا شد، تو باید جایت را به او بدهی. وگرنه وقتی خیال شخص راحت باشد که سی سال باقی است چه کار بکند یا نکند، خب معلوم است چه می شود. در ژاپن گفتند یک نفر سه دقیقه زودتر از کار اداری کارش را تعطیل کرده، اخراجش کردند! همان بار اول! آنجا معمولا اضافه می ایستند. آنجا اگر یک نفر سر ساعت تعطیل کند و کارش را رها کند، یعنی آدم بی لیاقتی بوده است. به همین دلیل برای حفظ آبرویش پیش زن و بچه، اگر به موقع هم تعطیل شده باشد، دو سه ساعت دیرتر خانه می رود و جایی خودش را مشغول می کند.

شاید پرسیده شود با این وضع، چطور جمعیت ایران ۱۵۰ میلیون نفر بشود؟ جواب این است که اگر با نفت اداره شویم، ده میلیون هم زیاد است. چون نفت و منابع نمی تواند جای کار و تلاش را بگیرد.

### غفلت از ارزش کار

ژاپن ۱۳۰ میلیون جمعیت دارد، وسعتش خیلی کمتر از ماست. معادن نفت و گاز و ... هم ندارد. اما مُشوق گذاشته برای افزایش جمعیت! چون در آنجا کار کن و کار آفرین تربیت می کند. اما ما متوقع و طلبکار تربیت می کنیم. البته مطالبه گری خوب است، یعنی بگویم آقا این ۴۰۰ هزار تومان بودجه را چه کردی؟ اتفاقا اختلاس و حقوق های نجومی در این شرایط جرم سنگین تری دارد. نه اینکه خودمان کار نکنیم و بگویم دولت برای ما کار کند. حضرت امام می فرمود: «انقلاب مال همه شماست، انقلاب را همه شما کردید، مملکت هم مال همه شماست. همه باید کمک بکنید. دولت هم یکی است. ننشینیم ما به اینکه همه کارها را دولت بکند.»

ژاپنی ها در همان کلاس اول دبستان، با بچه هایشان اتمام حجت می کنند. درس اول هم جغرافیاست! نقشه ژاپن را جلوی بچه های می گذارند و می گویند: ببینید این ژاپن کوچولوی ماست! ژاپن نفت ندارد، گاز ندارد، معدن ندارد، زمینش محدود و جمعیتش زیاد است، زلزله خیز است و... لیست نداشته و بایدها را به بچه ها گوشزد می کند. فهرست مشاغل مورد نیاز جامعه را از همان اول کار به بچه ها گوشزد می کنند. اما در ایران نقشه جغرافیایی را می گذارند و با غرور می گویند: بچه ها ببینید! ایران همه چیز دارد. نفت دارد، گاز دارد، جنگل دارد، دریا دارد... نتیجه اش غرور کاذب و روحیه طلبکاری است!

ما دزد کم نداریم. البته دزدها فقط اختلاس گرهای دو هزار میلیاردی نیستند، دزد آن کس هم هست که می گوید حقوق من فقط برای حضورم است، نه کار! یک میلیون تومان حقوق، یعنی سهم ده نفر کپرنشین از نفت! در قبالتش چقدر کار انجام شده؟ این خیلی خطرش بیشتر از آن اختلاس است، چون جمعیت بیشتری اینطور فکر می کنند.

الان در اگر کسی در دستگاه های دولتی خوب کار کند، همکارانش او را منزوی می کنند، چون آبروی بقیه را با پرکاری می برد. اصلاً از نظر فرهنگی، ما ضد کار رشد کرده ایم. فیلم و سریالی ایرانی نیست که از کار کردن به عنوان سگ دویی، جان کندن، حمالی، خر کاری اسم نبرد. حتی اگر در فیلم خارجی گفته باشد امروز کلی کار کردم، در دوبله امروز کلی سگ دو زدم! من فیلمی ندیدم که فرهنگ کار را ترویج کند. عمله و حمال در فرهنگ ما فحش است! دو شغلی که اگر نبود نه مسجد بود، نه حسینیه، نه حوزه علمیه، نه خانه، نه جاده، نه هیچی! فرهنگ اسلام می گوید «پاکیزه ترین کارها، درآمدی است که انسان با دسترنج خود کسب کند». امام علی(ع) فرمود: «تنبلی آفت موفقیت است» فرمود: «تنبلی و ناتوانی ازدواج کردند، فرزندشان فقر شد!» روایت می گوید: «عبادت ده جزء است، نه جزء آن در کسب و تلاش برای روزی حلال است». اما در فرهنگ ما اینطور نیست: «کار نکردن و حقوق گرفتن» زرنگی است.

همه می گویند ژاپن چرا اینطور است. خب شما مثل ژاپنی ها کار کن، هم کشور پیشرفت می کند، هم وضع تو خوب می شود. اما می گوید نه، آن حقوق را به من بدهند، تا من آن طوری کار کنم. می گویم همین سریال «آشین» که خیلی ها دیدند نشان می دهد که ژاپنی ها در بدترین وضع زندگی با کمترین حقوق کار کردند، تا دارا شدند و به جایی رسیدند. امروز هم که دارا هستند، از همه ما بهتر کار و تلاش می کنند. در آلمان بعد از جنگ جهانی دوم، زن ها روزی ۱۲ ساعت کارگری می کردند، صد گرم نان خشک مُزد می گرفتند! در نداری کار کردند تا دارا شدند. دهها سال کار کردند تا به اینجا رسیدند. مگر نگفته اند در دنیا و ثروت خود را با فقرا بسنج، در علم و معنویت با بزرگان. ما برعکس هستیم؛ در مال و دارایی خود را با ثروتمندان می سنجیم، در علم و معنویت، با پایین ترین ها!

مرتب در رسانه ها حقوق آلمانی ها و آمریکایی ها را می گویند، اما نمی گویند درآمد سرانه آنها ده برابر ماست. بعضی از شرکت های خودرو سازی آنها، به اندازه نفت ما درآمد دارند. مانند اینکه همسران ما خدمات ما را با خدمات شهرام جزایری مقایسه کند! خب معلوم است همه بدهکار می شویم. به حلال و حرامش کار ندارم. اما او بگوید «تو به فکر من نیستی چون شهرام جزایری ماشین یک میلیاردی برای همسرش و فرزندش خریده!» بارها به خود من گفتند بیست سال پیش مکه رفتم نوشابه یک ریال بود، حالا هم یک ریال است (ریال سعودی). ایران آن موقع ده تومان بود، حالا شده هزار تومان. می گویم آقا جان شما آن موقع بیشتر نوشابه می خوردی یا الان؟ الان بیشتر می خوری. وزارت بهداشت برای این مصرف زیادی مدام هشدار می دهد. پس وضع تو خوب شده، توانایی خرید داری. ثانیاً در عربستان روزی ده



میلیون بشکه از زیر پایش خالی می شود با جمعیت خیلی کمتر، ما خیلی کمتر تولید و صادر می کنیم با جمعیت بیشتر؛ چرا این ها را نمی بینی؟!

### توقع افزایی، ضعف آموزش و پرورش

رسانه ها و تمام تریبون ها که من دقت کردم و بررسی کردم، تریبون های «توقع افزایی» است. در انتخابات هم همین طور است. چرا به کسانی رأی می دهند که پر سر و صداترین و پر شعارترین است. اگر مردم بدانند درآمد نفت ماهی صد هزار تومان بیشتر به ازای هر ایرانی درآمد نداریم، به هر مدعی ای در انتخابات رأی نمی دهند. اگر یکی بگوید من یارانه ها را می کنم یک میلیون تومان! کسی می پرسد از کجا؟! با این وضعیت که نفری ده میلیون تومان بدهکاریم، چطوری می خواهی یارانه را افزایش بدهی؟ فقط رأی می دهیم! هیچ کس به آقای روحانی و سایر نامزدها گفت پول این وعده ها را از کجا می آوری؟

فریب خوردن هم اشکال ماست. در اسلام می گویند کسی که ظلم را بپذیرد، شریک ظالم است. من می گویم کسی که فریب بخورد، او هم شریک فریبکار است. البته این مشکل از آموزش و پرورش شروع می شود. به ما مهارت های زندگی را نیاموخته اند. یکی از مهارت ها فکر کردن است. آقا قبل از هر کاری فکر کن. یک همسایه داریم، وقتی بچه اش کوچک بود، مادرش می گفت: «به من می گوید مامان! من این موتورهای کوچولو می خواهم. می گفتم پول ندارم. می گفت پول ندارم یعنی چی؟ کارت را بزن به عابر بانک پول می دهد». نمی داند پشت این عابر بانک حساب و کتابی است. ما فکر کردن نیاموخته ایم.

خیلی از مردم واقعیت های اقتصاد را نمی دانند. دولتمردان هم بعضی نمی دانند. من معتقدم اگر این تصور غلط را درست کنیم، خیلی مسائل حل می شود.

### تصور غلط درباره اختلاس ها

تصور غلط دیگر درباره اندازه اختلاس هاست. سه هزار میلیارد تومان اختلاس خیلی است. یعنی به سیصد هزار نفر، نفری ده میلیون تومان بدهند. اما مردم می گویند خاوری سه هزار میلیارد را برداشت در رفت! و حالی که خاوری فقط سه میلیون دلار رشوه گرفت به قیمت ارز آزاد، یعنی حدود چهار میلیارد تومان. اصل کاری، شرکت امیرمنصور آریا بود که گرفتند و اعدامش کردند و بیش از این مبلغ هم برگشت. اصلا مردم خبر ندارند. فقط همان اختلاس را یادشان است. البته خبر آن داده شده، اما تبلیغ نشده است.

خب چرا در زندان اعدامش می کنید؟ در ملا عام بیاورید و با تبلیغات. از روزهای قبل خوب رسانه ای شود تا همه بفهمند. چرا سلطان قیر و سکه را در زندان اعدام می کنید؟ الان به خاطر بی اعتمادی برخی حتی باور هم نمی کنند و می گویند معلوم نیست اعدام شده باشد؛ تلویزیون نشان نداد!

آن سه هزار میلیارد تومان چقدر است؟ فکر می کنند خیلی زیاد است. برای هشتاد میلیون نفر می شود نفر ۳۷.۵۰۰ تومان! خیلی بیش از این برگشت داده شده است. ده هزار میلیارد تومان چقدر است؟ نفری ۱۲۵ هزار تومان! اما ضد انقلاب از همین ناآگاهی استفاده می کند و می گوید «به ازاء هر ایرانی صدها میلیون تومان اختلاس شد!» همین آمد نیوز و بقیه سایت ها یک مطلب می گذارند، خیلی ها هم فورواردها می کنند و برای هم ارسال می کنند. هیچکس هم محاسبه نمی کند. من یکبار حساب کردم، سه هزار میلیارد تومان را نوشته ۱۲۰ میلیون میلیارد تومان، یعنی چهار هزار برابر! همه هم می فرستند برای هم.

می گویند: «۳۰۰ نماینده داریم، هر کدام ۱۵ هزار میلیارد تومان اختلاس کردند، می شود اینقدر». می گویم: ۳۰۰ نماینده، هر کدام پنج برابر سه هزار میلیارد تومان؟! و همه هم بدون استثنا باهم اختلاس کردند! اصلا امکان دارد؟! خواننده اصلا فکر نمی کند. فقط چون بی اعتماد شده، می فرستند برای دیگران.

ضد انقلاب می گوید: دو هزار و پانصد آقا زاده در آمریکا جمعا ۱۴۸ میلیارد دلار در حساب های بانکی دارند. آقای بهمنی رئیس بانک مرکزی می گوید این بیش از کل ذخایر ارزی کشور است. این مبلغ یعنی درآمد سه سال نفت ایران و هر کدام یعنی هفتصد میلیارد تومان در حساب دارند! منبع خبر هم وزارت خزانه داری آمریکاست! وقتی تحقیق کردم دیدم وزارت خزانه داری آمریکا چنین خبری نداده. تازه اگر می گفت هم اعتبار نداشت. اما چند نفر می روند تحقیق کنند؟

مثلا می گویند تمام درآمد کشور به سوریه می رود! از اواما سؤال کردند چرا به ایران حمله نمی کنید؟ گفت "اگر به ایران حمله کنیم، حزب الله اسرائیل را نابود می کند". پس توان حزب الله در ضربه به اسرائیل یکی از موانع جنگ با ایران است. اگر بخواهیم بازدارنده باشیم، باید جبهه همسوها با خودمان را تقویت کنیم. هزینه برای امنیت، یک نوع سرمایه گذاری است.

بعد خود دشمن ادعا می کند ایران هفت میلیارد دلار طی هفت سال کمک خارجی داشته است. معمولا هم عددها را بزرگ می گویند که اثر منفی بیشتری بگذارد. حالا ما اگر همین ادعا را قبول کنیم و بر تعداد سالها و ماه ها و جمعیت کشور تقسیم کنیم می شود به ازاء هر ایرانی ماهانه یک دلار و ۴ سنت! آیا ارزش ندارد به ازاء هر ایرانی چنین مبلغی بدهیم که آمریکا و اسرائیل جرأت حمله نداشته باشند و داعش نتواند جنایات و بمب گذاری هایی را که مثلا در عراق و سوریه انجام داد در ایران مرتکب گردد؟! بر فرض آمریکا و دیگران حمله کنند، ماهم می زنیم. بیشتر هم خسارت به آنها وارد می کنیم. اما اگر جنگ شود و اگر دو موشکان هم به یک پالایشگاه اصابت کند، بیش از یک میلیارد دلار خسارت می بینیم! خب این هزینه ها مانند هزینه قفل درخانه است. نمی توان نشست و دید که دشمن بیاید تا اتاق خواب ما!

کتابی نوشتم به عنوان «درآمدهای نفتی از توهم تا واقعیت». فرض را بر این گذاشتم که مخاطب سخنان و آمار و محاسبات مرا نمی پذیرد. خیلی خلاصه آمارها و ارقام ارائه شده است. شما هم نپذیرید. خودتان بررسی و ضرب و تقسیم کنید.

## وضعیت وخیم اقتصادی آمریکا

وضع آمریکا را هم بگوییم که خیلی وخیم است. بدهی دولت فدرال آمریکا بیش از ۲۲ تریلیون دلار است. یعنی به اندازه ۴۴۰ سال درآمد نفتی ما.

بدهی کل آمریکا ۷۲ تریلیون دلار؛ به اندازه ۱۴۴۵ سال درآمد نفتی است. سالی دست کم یک تریلیون دلار به بدهی دولت آمریکا اضافه می شود یعنی به اندازه ۲۰ سال درآمد نفتی ایران.

هر آمریکایی به طور متوسط ۲۲۰ هزار دلار بدهی دارد؛ یعنی نفری ۲/۵ میلیارد تومان که یک خانواده چهار نفره، ده میلیارد تومان بدهی دارد، با ۱۴۰ میلیون تومان پس انداز.

بیش از ۶ تریلیون دلار بدهی آمریکاست، به اندازه ۱۲۰ سال درآمد نفتی ایران.

ترامپ که می گوید ۷ تریلیون دلار در منطقه ما خرج کرده اند و به جایی نرسیده اند، یعنی به اندازه ۱۴۰ سال درآمد نفت ما .

### چه باید کرد؟

نظر من این است که ۱۵ درصد مشکل تحریم داریم، ۱۵ درصد سیاست های غلط مدیریتی و ۸۵ درصد مشکل مردم؛ چون ۱۵ درصد دولتی ها و مدیران هم جزو مردم هستند. نمی توان جزو کم کارترین و تنبل ترین و مسرف ترین ملت ها باشیم، بعد بگوییم چرا مشکل داریم؟ باید خودمان را درست کنیم .

از کجا شروع کنیم؟ من به رئیس جمهور و وزیر می گویم از خودت شروع کن، به خودم و شما هم می گویم از خودمان شروع کنیم. قرآن نمی گوید سرنوشت قومی تغییر نمی کند مگر اینکه مدیران صالح داشته باشد، می گوید مگر اینکه آن قوم در نفس خودش تغییر ایجاد کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ». امام می فرمود: «شما خودتان را درست کنید، کشورتان درست می شود» پس از خودمان شروع کنیم. محور تحول منم. هر کس باید همین شعار را سرلوحه زندگی اش قرار بدهد. در سبک زندگی ، کار کردن و مصرف کردن و...

هر جا رفته مسجد، حسینیه، رستوران، مهمانی، ادارات، سالن ها، دیدم پرده ها آویزان، چراغها روشن! در اروپا چنین صحنه ای نمی بینید. یعنی از نور طبیعی استفاده نمی کنند و چراغ روشن می کنند. این یعنی اسراف. فقط یک جا فقط دیدم در کرمان حدود هزار نفر از ارشد نظامیان جمع شده بودند، سالن بزرگی بود دو طرف پنجره بود، پرده ها کنار، نور هم کافی بود و چراغ ها خاموش. فقط آنجا دیدم از نور طبیعی استفاده کرده اند. گفتم آفرین به شما، گفتند برق رفته !

جای دیگر رفته بودم برای سخنرانی در نیروی انتظامی در جمع هزاران سربازی که دوره آموزشی می دیدند . دیدم پرده ها کنار و چراغ ها خاموش است، اما پنکه ها روشن است. بعد از جلسه به رئیسشان گفتم چراغ ها خاموش بود ولی پنکه ها روشن؟ فکر کرد می خواهم گلابه کنم گفت آقا فیوز نمی کشد هر دو روشن باشد! در تربت حیدریه حوزه علمیه سخنرانی می کردم، دو لامپ روشن بود بقیه خاموش بود، گفتند لامپ ها سوخته!

به هر حال تحول را باید از خودمان شروع کنیم. مدام می گویند «الناس علی دین ملوکهم» حرف درستی است، اما مخاطبش مسئولین است که اگر تو در نماز جماعت شرکت کردی، عده بیشتری می آیند. ما نباید به مردم بگوییم ببین مسئول نماز می خواند یا نه، تو هم همان کار را بکن! در ادارات هنگام نماز جماعت نباید حقوق آن ساعت را گرفت؛ مگر پیشنهاد که کارش همین است. مگر مردم عادی برای نماز خواندن حقوق می گیرند که شما می گیرید؟ در کشورهای خارجی وقت استراحت را حقوق نمی دهند، از آن طرف اضافه تر کار می کنند.

کتاب دیگر من «سبک اقتصادی و فرهنگی زندگی» است که توصیه می کنم مطالعه کنید تا بسیاری از سوالات اذهان حل شود. هم مسأله نفت تشریح شده، هم بسیاری از مشکلات دیگر، هم راه حل داده شده، هم استراتژی بیان شده، هم وظیفه دولت و مسئولین و هم وظیفه مردم. یک بخشی از آن ضرب المثل هاست. مثلا ژاپنی ها می گویند «خدا به تو دو دست داده، اما برای پل نمی سازد» یا در کشور دیگری

می گویند «کسی که اسراف می کند، از خودش می دزدد». دانلود کتابها هم از سایت و کانال بنده آزاد است ( [www.ghadiri.ir](http://www.ghadiri.ir) ).

سعی می کنم در انتقادات واقع بین و منصف باشم. انتقاد سازنده و همراه با پیشنهاد باشد. از نظر سیاسی هم بنده با این دولت مخالفم. قبل از انتخابات گفتم آقای روحانی رئیس جمهور شود، اقتصاد کشور مثل ساختمان پلاسکو فروپاشیده می شود! , اما توقع از همین دولت ناکارآمد هم باید معقول و منطبق بر واقعیات باشد. والسلام علیکم و رحمه الله.

دفتر فرهنگی ۵۷

ترویج گفتمان امام و رهبری

@farhangy57